

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدس زدایی و مقدسات در اسلام

## ایجاد انگیزه :

یکی از مهمترین صفات مومن، صفت غیرت است. هم غیرت ملی، هم غیرت ناموسی و بالاتر از همه، غیرت دینی داشتن. اگر انسان دین، احکام و معالم دینش به خطر افتاد، حساس باشد. اتفاقی که در جامعه آن روز رخ داد و آسیب و انحرافات که باعث شده بود، بعد از ۵۰ سال از رحلت پیغمبر، جامعه دچار انحطاط شود که ارزش ها، یکی یکی سقوط می کرد و از بین می رفت و بدعت ها زنده می شد، وجود مقدس سیدالشهداء علیه السلام به عنوان کسی که بصیرت دارد و آگاه است و به عنوان کسی که غیرت دینی دارد، غیرت الله است، این که به امام حسین بگوییم غیرت دینی داشت، کم است. او غیرت الله و مظهر غیرت خدا است. لذا ممکن بود کسان دیگری از خوبان در آن زمان این بدی ها و سقوط ارزش ها را می دیدند اما تکان نمی خوردند.

وجود مقدس سید الشهداء بود که این قیام عظیم را برپا کرد. این درس بزرگی است برای ما که اگر احیاناً جایی می بینیم که ارزش های جامعه در حال سقوط می باشند، حساس شویم. مواظب باشیم و تا جایی که می توانیم اول از همه، اطرافیان خودمان را مراقب باشیم که ارزش ها در آن ها سقوط نکند بعد نسبت به اصلاح جامعه خودمان اقدام کنیم.

## متن و محتوا :

رهبر بزرگوارمان در این یکی دو سال اخیر، بسیار از کلمه نفوذ استفاده کرده اند. در کلام رهبری بزرگوار به عنوان دیدبان انقلاب اسلامی این کلید واژه است. نفوذ اقسامی دارد و مهمترین قسم نفوذ، نفوذ فرهنگی است که ارزش ها و باورهای جامعه احیاناً مورد سقوط قرار بگیرد که اگر این اتفاق افتاد، نفوذ سیاسی و اقتصادی هم پشت سرش خواهد بود. یکی از ارزش هایی که باید مؤمن توجه به آن داشته باشد، حفظ مقدسات است. متأسفانه در فرهنگ و در جهانی زندگی می کنیم که در فرهنگ سکولاری که در جهان است، تقدس زدایی دارد صورت می گیرد؛ یعنی برای آنها مقدسات دیگر مفهومی ندارد. فرقی بین این انسان و آن انسان، این کتاب و آن کتاب، این مکان و آن مکان، این زمان و آن زمان نیست. اگر شما بگویی که فلان مکان مقدس است، می گوید من نمی فهمم. فلان زمان یا انسان مقدس است یا فلان کتاب مقدس است، می گوید من نمی فهمم. فرقی بین این انسان و انسان دیگر، بین این مکان و مکان دیگر نیست. تقدس زدایی یکی از خصوصیات فرهنگ سکولار جهانی است که متأسفانه به گونه های مختلف در کشور ما سوق می دهند. اینکه به راحتی راجع به پیغمبران کاریکاتور می کشند و احیاناً در کاریکاتور ها، تمسخر وجود دارد، این یکی از همین لوازم تقدس زدایی است که در آن ها وجود دارد.

اولاً مقدسات چه چیزهایی هستند؟ به چه دلیل یک چیزی مقدس می شود؟ این تقدسش را از کجا می گیرد؟ می دانیم که خیلی ها در کشورهای مختلف هستند که چیزهایی را مقدس می دانند مثلاً در هند،

گاو را مقدس می دانند. در خیابان اگر راه برود، هیچ کسی حق ندارد مثلاً حولش بدهد و بیرون بیندازد حتی اگر ترافیک هم پشت سرش ایجاد شود، خود این جناب گاو باید بیرون برود. اگر کسی او را بکشد جرم بسیار سنگینی دارد. خیلی عذر می خواهیم، زیر ادرارش ظرف می گیرند برای این که تبرکاً بردارند و مثلاً استفاده کنند. الان خیلی از جاها بت را مقدس می دانند. در ژاپن، چین، در این کشورهای آسیای جنوب شرقی بت را مقدس می دانند. رسماً بت خانگی دارند. بودایی ها علاوه بر بت بزرگی که در معابدشان دارند و جلوی میوه و غذا می گذارند. این غذا یا میوه ها می گندد و روز بعد، دوزخ بعد می روند و عوض می کنند. علاوه بر آن بت های بزرگ که در معابد بزرگشان دارند، بت های خانگی دارند که در مقابلش گرنش می کنند؛ یعنی در زمان ما هم بت پرستی در بیش از یک میلیارد نفر شاید نزدیک به دو میلیارد نفر از مردم جهان وجود دارد. آیا به صرف این که یک عده، چیزی را مقدس می دانند، آیا مقدس می شود؟ ملاک مقدس بودن چیست؟ آیا به صرف این که خودمان قرارداد کنیم که یک چیزی مقدس باشد، مقدس می شود؟ آیا به صرف این که با یک اعتقاد موهوم و باطلی، یک چیزی را مقدس و محترم بدانیم، مقدس و محترم می شود؟ تقدس یک منشأ عقلایی دارد که عقل این را می پسندد. ما دینداران بزرگوار، باید دینمان را عمیق کنیم. باید روی مقدسات واقعی که بدانیم چیست، محکم بایستیم و مقدسات موهوم و خرافی را هم بی خودی مقدس نکنیم. بدانیم چه مقدس است و چه مقدس نیست؟

اولین وجود مقدس در عالم وجود، خداوند متعال است. مقدس یعنی این که مطهر و منزّه است. شکی نیست که خداوند متعال اول موجود مقدس است. در قرآن می فرماید: «الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ». در دعای کمیل می خوانید: «یا نورُ یا قدّوسُ» قدوس صیغه مبالغه است؛ یعنی از هر عیب و نقصی قداست و طهارت دارد. همین است که منزّه از هر عیب و نقصی است. پس وجود که قداست ذاتی دارد و اولین مقدس در عالم وجود پروردگار عالم است آن وقت هر کسی یا هر چیزی که ارتباط خاصی با خداوند پیدا کند، تقدس به او سرایت می کند. از او تقدس می گیرد. همه ی موجودات عالم با خداوند ارتباط دارند، همه مخلوق خداوند هستند ولی همه مقدس نیستند. بعضی از انسان ها یا بعضی از اشیاء و موجودات هستند که ارتباط خاص با خدا دارند و آن ها از خدا تقدس را می گیرند. آن وقت در دین ما یک احکامی پیدا می کنند برای این که حریمشان حفظ شود و تقدسشان از بین نرود. مثلاً کلام خدا یک ارتباط خاصی با خدا دارد، لذا مقدس می شود. قرآن کلام خداست، لذا مقدس می شود. احکام خاصی هم دارد، کسی دست بی وضو نمی تواند به آن بزند، نمی تواند نجس کند، برای حفظ احترامش، یک احکامی هم برایش گذاشته شده است. مساجد، خانه ی خدا مقدس می شود. یک احکام خاصی هم دارد که کسی نمی تواند آن را نجس کند، جنب نمی تواند واردش شود. کلام خدا، خانه های خدا، اولیاء خدا مثل انبیاء و معصومین، این ها مقدس می شوند.

اگر بخواهیم مقدسات را شسته و رفته دسته بندی کنیم، ما پنج قسم مقدسات در اسلام داریم:

۱- مکان های مقدس.

۲- زمان های مقدس.

۳- انسان های مقدس.

۴- اعمال مقدس.

۵- اشیاء مقدس.

این پنج قسم مقدسات است. ما این را لازم داریم زیرا حمله به مقدسات شروع شده و وجود دارد، واقعاً هست.

### مکان های مقدس :

اولین قسم از مقدسات، مکان های مقدس است. حضرت موسی وارد سرزمین مقدس می شود، همان کوه طور سینا که الواح مقدسه تورات را دریافت می کند، خداوند به حضرت موسی می فرماید: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» موسی، کفش هایت را در بیاور، وارد سرزمین مقدسی شده ای، این جا یک ادبی دارد. همین طوری هر کسی نمی تواند وارد شود. قرآن بر این مطلب صحه می گذارد که بعضی از مکان ها مقدس است. در روایات داریم بعضی از مکان ها مورد رحمت اند و بعضی از مکان ها مورد لعن اند. مکان تا مکان فرق دارد. امیرالمومنین با اصحابش از جنگ صفین برمی گشتند، موقع ظهر بود که به یک سرزمینی رسیدند، بعضی ها گفتند: آقا بایستیم این جا نماز بخوانیم، حضرت فرمود: اینجا نه. این جا سرزمین شومی است و ملعونه است. این جا هیچ پیغمبری و وصی پیغمبری نماز نخوانده است. بعضی از خشک مقدس ها ایستادند و نماز خواندند. آقا اول وقت است باید بایستیم و نماز بخوانیم. به امیرالمومنین دین داری یاد می دهند ولی حضرت امیر علیه السلام آن جا نخواندند و جای دیگر رفتند. در روایات پاک ترین مکان ها، مکان هایی است که حرم معصومین است. مکانی است که ملائکه دائم رفت و آمد می کنند. در زیارت نامه ی امام حسین علیه السلام در یکی از فرازهایش می خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهَّرَ طَاهِرًا مَطَهَّرَ مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مَطَهَّرَ طَهْرَتْ وَ طَهْرَتْ بِكَ الْبِلَادُ، وَ طَهْرَتْ حَرَمُكَ وَ طَهْرَتْ أَرْضُ أَنْتَ بِهَا» حرمت مطهر است و آن زمینی که تو در آن دفن شدی، آنجا مقدس است.

بنابر روایات جایی که قبر معصوم است «لَا يُعْصَ اللَّهُ فَيْكَ ابدا» هیچ معصیتی در آن جا نشده است. آن جایی که بدن معصوم دفن می شود، قبر معصوم است، هیچ معصیتی، حتی حیوانی به حیوانی شاخ نزده است، ظلم نکرده است. پاکترین محل است که هیچ گناه خدا و معصیتی در آن انجام نشده است. برای همین است که شما وقتی وارد حرم معصومین می شوید، احساس سبکی می کنید. وقتی آدم وارد حرم معصومین می شود، حس می کند فضا عوض شده و یک حال دیگری دارد. آن هایی که اهل دل هستند، چیزهایی را می بینند یا می شنوند. در مورد مرحوم آیت الله بهاء الدینی می گفتند: وقتی حرم امام رضا علیه السلام که می رفت، زود برمی گشت. بعضی از شاگردانش به ایشان گفتند: آقا شما چرا اینقدر زود بر می گردید؟ گفت : ما رفتیم سلام دادیم، جوابمان را گرفتیم. ملائکه را می بینند «مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةُ» است. محل، محل نورانی و پاکی است. در روایت است هر جایی که خانه ی خدا بنا می شود، جایی است که شهیدی آنجا افتاده یا قطراتی از خون شهیدی آن جا ریخته شده است. هر جایی لیاقت ندارد که زمینی شود که قبر معصوم یا خانه ی خدا در آن بنا شود. ما خیال می کنیم همین طوری یک جایی قبر امیرالمومنین شد، این گونه نیست. کسانی که خاک زیر پای امیرالمومنین بودند، قبرشان حساب داشت. در اصفهان اگر قبرستان تخت فولاد اصفهان بروید، یکی از اولیای خدا که صد سال پیش از دنیا رفت. مرحوم میرزا محمد صادق تخت فولادی، از اولیای الهی بود. ایشان در زمان حیات به قبرستان تخت فولاد رفته بود تا قبر برای خودش تهیه کند، به آن کسی که قبر را می کند، گفت : این جا را بکن، کند، داخلش خوابید و

گفت: این جا، جای من نیست، یک جای دیگر را بکن. یک جای دیگر را کند و رفت داخلش خوابید. گفت: این جا، جای من است. این ها که خاک زیر پای امیرالمومنین و اهل بیت بودند، این گونه بودند، آن وقت اهل بیت جایشان، قبرشان چگونه بود؟ در روایت مفخره در کامل الزیارات ابن قولوبه نقل شده که سرزمین مکه، زمینی که کعبه در آن بنا شده است، افتخار کرد که من آن زمینی هستم که خانه ی خدا در آن بنا نهاده شده است، سرزمین کربلا گفت: خاموش. تو را چه به این که افتخار کنی. من آن زمینی هستم که حسین بن علی در من دفن شده است. مقام ولی خدا کجا و مقام کعبه کجا؟ ولی خدا مقامش اصلاً قابل مقایسه با کعبه نیست.

در هر حال یکی از مقدسات، مکان های مقدس می باشد. مسجد احکامی دارد که در رساله ها خوانده اید: جنب و حائض نمی توانند وارد مسجد بشود مگر گذری و عبوری. جای از مسجد را اگر کسی عمداً نجس کند حرام است و اگر سهواً یک قطره خونی یا چیزی بریزد ولو نماز اول وقت باشد حق ندارید نماز بخوانید و باید اول نجاست را پاک کنید. اشیاء مسجد را که مخصوص مسجد است، حق ندارد کسی بیرون ببرد. ببینید این ها احکامی است که برای حفظ این حریم خداوند متعال گذاشته است.

دومین از مقدسات، زمان های مقدس است. مگر پیغمبر اول ماه رمضان فرمود: «قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ» این شهر، شهر الله و ماه خداست و با ماههای دیگر فرق می کند و حرمتی دارد. در قرآن خوانده اید که برادران یوسف وقتی متنبه شدند و استغفار کردند نزد پدرشان یعقوب رفتند. گناهایشان خیلی بزرگ بود؛ چون برادران یوسف می خواستند یوسف را بکشند ولی به هر حال استغفار کردند و گفتند: «يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا» پدرجان، تو برای ما پیش خدا واسطه شو و استغفار کن. حضرت یعقوب در جواب فرزندانش چه گفت؟ گفت: «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» به زودی برایتان استغفار می کنم. امام صادق علیه السلام فرمود: «أُخْرِهَا إِلَى السَّحَرِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ» دعا برای آنها را تا سحر شب جمعه به تاخیر انداخت، زیرا آن وقت، وقت مقدسی است. انبیاء مستجاب الدعوه خود را محتاج می دیدند که یک زمان هایی یا یک مکان هایی دعا کنند. از بعضی از زمان ها زود نگذرید. حضرت زهرا از پیغمبر شنید که پیغمبر فرمود: زهرا جان، در روز جمعه زمانی است که هیچ مسلمان و مؤمنی چیز خیری را از خدا نمی خواهد، مگر این که خداوند در آن زمان به او می دهد. اگر در آن زمان دعا کند، خداوند دعایش را مستجاب می کند. حضرت زهرا سلام الله علیها فرمود: پدر جان، آن وقت چه زمانی است؟ پیغمبر فرمود: نزدیک غروب که یک مقدار از قرص خورشید در افق فرو رفت و پنهان شد که زمان کوتاهی است و شاید چند دقیقه بیشتر طول نکشد. حضرت زهراء خادم خود را روی پشت بام می فرستادند که غروب خورشید روز جمعه را نگاه کند و هر موقع قرص خورشید مقداری پایین رفت، فوری خبر دهد تا خانم دعا کنند.

نگذارید سحرهایمان از دست برود به خدا قسم یک زمانی برسد که محتاج یک سحر ولو پنج دقیقه قبل از اذان صبح شویم. اهل بیت یک سحر در عمرشان فوت نشد. آخرین سحر عمرش را امیرالمومنین وقتی اذان گفت، دید. گفت: سحر، هیچ زمانی نشد که خورشید طلوع کند و چشم علی خواب باشد.

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود.

هر که هر چه بدست آورد، از سحر بود. مرحوم علامه ی طباطبایی می گفت: وقتی نجف رفتم غریب بودم و هیچ کس را نمی شناختم. حرم امیرالمومنین علیه السلام رفتم و جلوی ضریح ایستادم و گفتم: یا امیرالمومنین، من در این شهر غریبم و کسی را نمی شناسم، شما کمکم کنید. می گوید: یک مرتبه دیدم دستی به پشت شانه ام خورد، برگشتم و دیدم آیت الله سید علی قاضی است که اولین ملاقات من با ایشان بود که بعداً فهمیدم ایشان است. می گوید: با یک لحن پدرانه ای به من گفت: فرزندم، دنیا می خواهی نماز شب بخوان، آخرت می خواهی نماز شب بخوان که یک عمر مرحوم علامه طباطبایی اهل سحر شد. یک آقای می گفت: از بچگی یادم هست که بابایم هر موقع می خواست مادرم را صدا بزند، چند دقیقه قبل از اذان صبح، می گفت: خانم جان بلند شو، اینقدر بخوابیم، دیگر کسی در قبر ما را صدا نمی زند. وقت های مقدس را از دست ندهیم.

سومین از مقدسات، اشیاء مقدس است. یکی از هجوم ها و شبهات وهابیت خبیث فعلی با شبکه های متعدد ماهواره ای که دارد، حمله به شیعه است در بعضی از چیز هایی که شیعه مقدس می داند مثل ضریح معصومین و قبر ایشان را که از آن ها شفا می گیرند.

#### اشیاء مقدس:

اولاً قرآن یکی از اشیاء مقدس است. البته حقیقت قرآن در عالم بالا، به وهم من و شما هم نمی آید که چیست؟ این نازل و تنزل قرآن است که در دست من و شما است والا حقیقت قرآن را اصلاً نمی دانیم که چیست؟ مرحوم ملاصدرا در اسفار می گوید: قرآن از هزار حجاب عبور کرده و منزل به منزل پایین آمده است که تبدیل به این کتاب شده که «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» ما فرو فرستادیم. آن حقیقت بالا را پایین آوردیم که مردم هم یک چیزی گیرشان بیاید اما همین کتاب مقدس احکامی دارد که در رساله ها خوانده اید. حرام است کسی دست بی وضو به آیات قرآن بزند. اگر دیدید مثلاً نعوذ بالله یک صفحه ای از قرآن در توالی افتاده است، فوری باید در آورد و اگر نمی تواند آن را در بیاورد، در آن توالی را باید ببندد و از آن توالی دیگر نباید استفاده کرد. گاهی مواقع قرآن در روی تاقچه یا قفسه است، آدم پا را دراز می کند یا همین طوری قرآن می خواند و روی زمین می گذارد. متأسفانه باید گفت اهل سنت بیشتر از ما رعایت می کنند. قرآن را همیشه در رحل می گذارند. قرآن را اگر می خواهید بخوانید در دستتان بگیرید یا روی رحل بگذارید و اگر تمام شد، سر جایش بگذارید و روی زمین نگذارید. گاهی مواقع بعضی ها می گویند: در روایات ما است که اگر کسی مثلاً سوره ی یاسین را بخواند فلان اثر را دارد، سوره ی ملک را بخواند، فلان اثر را دارد. چرا ما می خوانیم و اثر نمی گیریم؟ سوره ی حمد را بخوانید، مریض شفاء پیدا می کند. چرا وقتی می خوانیم، اثر نمی گیریم؟ ادب قرآن را وقتی رعایت نمی کنیم، قرآن هم آثارش را به ما نمی دهد. به امام معصوم گفتند: آقا ما چرا وقتی تربت سید الشهداء را می خوریم، شفاء پیدا نمی کنیم؟ با این که تربت سید الشهداء «شفاءً من کلِّ داء» است. حضرت فرمودند: شما تربت را در خرچین مرکبتان می گذارید و احترام نمی کنید و آن وقت می

خواهید تربت شما را شفاء دهد؟ قرآن خودش یکی از اشیاء مقدس است و ادب دارد. اگر با آیات قرآن آشنا باشید، می بینید که قرآن بعضی از اشیاء مقدس را نام برده است. مثلاً صندوقی که حضرت موسی در آن بود و مادرش آن را در رود نیل رها کرد، تا سال ها در بنی اسرائیل به عنوان صندوق مقدس بود و در جنگ ها بنی اسرائیل این صندوق را جلو می بردند که نشانه ی پیروزی بود. نشانه این بود که هرکس این صندوق را داشته باشد، فتح با او است. قرآن در آیه ۲۴۸ سوره ی بقره این را ذکر می کند «أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ» یک آرامشی در آن هست. خدا می گوید از آثار این صندوق، آرامش و طمأنینه دادن است. «فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَ آلُ هَارُونَ» و یادگار موسی و هارون است. این صندوق، صندوق مقدسی است که قرآن روی آن صحنه گذاشته است. آن وقت دلیل داشته باشید که اگر به شما بگویند برای چه ضریح معصومین را مقدس می دانید؟ قرآن می گوید: صندوقی را که ولی خدا در آن بود، مقدس است. خوب آنجایی که ولی خدا در آنجا دفن است به مراتب مقدس تر است.

در سوره ی یوسف خواندید که پیراهن یوسف را برادرانش از مصر به کنعان آوردند و بر روی صورت پدرشان که نابینا شده بود، انداختند «أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا» و بینا شد؛ یعنی پیراهن یوسف شفاء داد. حصیری که پیغمبر با آن نماز می خواند، در تاریخ هست که تا صد سال و تا زمان بنی عباس، منصور دوانیقی، این حصیر به عنوان یادگار پیغمبر بود و مقدس می شماردند و می گفتند: «هذه حصيرة رسول الله». پیراهنی که امیرالمومنین از ابن الملجم در آن ضربت خوردند و خون مبارکشان در این پیراهن ریخت، دست به دست بین معصومین می چرخید. معصومین این را نگه می داشتند و این پیراهن، پیراهن مقدسی است. آیت الله وحید خراسانی می فرمود: پیراهن سید الشهداء همان پیراهن کهنه یادگار حضرت زهرا بود که آن پیراهن به غارت رفت ولی بعداً امام سجاد علیه السلام از یزید پس گرفتند. این پیراهن الان با بعضی دیگر از موازین اجداد مطهرش پیش امام زمان است. در جایی که حضرت ولی عصر است، این پیراهن آویزان است. هر موقع خون تازه بر آن آمد، آن موقع هنگام ظهور است. تمام فرقه های اسلامی این را قبول دارند که حجر الاسود در مکه و در کعبه است و لمس کردن و بوسیدنش مستحب است. قرآن و فقه اهل سنت این را می گوید: بوسیدن حجر الاسود مستحب است. آن صندوقی که حضرت موسی، ولی خدا در آن بود، مقدس است، پیراهن حضرت یوسف شفاء می دهد آنوقت چه طور ضریح ولی خدا مقدس نیست؟ پیراهن یوسف می تواند شفاء دهد، آن وقت خود ولی خدا نمی تواند شفا بدهد؟ اگر بگوییم: یا امام رضا ما را شفا بده؟ پیراهنش شفاء می دهد ولی اگر از امام رضا شفاء بخواهیم این شرک است؟ مرحوم سید شرف الدین قبل از امام موسی صدر در لبنان بود. ایشان را برای کنگره ای در مکه در زمان ملک عبدالعزیز دعوت کرده بودند که همه علمای اسلام نیز حضور داشتند. ایشان وقتی رفت، یک شیرین کاری انجام داد، یک قرآنی را با جلد چرمی به ملک عبدالعزیز هدیه داد که خیلی نفیس بود. ملک عبدالعزیز قرآن را گرفت و بوسید. سید شرف الدین گفت: جناب ملک این بوسیدن شما شرک نیست؟ گفت: نه. برای چه؟ گفت: برای این که چرم را بوسیدید. پادشاه عربستان گفت: ما که هر چرمی را نمی بوسیم. کفش من هم از چرم است ولی نمی بوسم. ایشان فوری گفت: ما هم که هر آهن و چوبی را نمی بوسیم. آهن و چوبی را می بوسیم که

ضریح ولیّ خدا شده است. چه طور شما این چرم را می بوسید، شرک نیست ولی ما آن را می بوسیم شرک است؟ اشیاء مقدس سومین قسم از مقدسات هستند که در قرآن نمونه هایش آمده است.

### اعمال مقدس :

چهارمین قسم از مقدسات: اعمال مقدس است. بعضی از اعمال مقدس است. قرآن می فرماید: «إِنَّ الصَّافَةَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» سعی بین صفا و مروه ، این جزء شعائر الهی است و محترم است پس مقدس است. نمازی که می خوانید مقدس است. کسی توهین به نماز کند، جرم دارد و در نزد خدا گناه است. اعمال، اعمال مقدسی است حتی اعمال مستحب. همین مجلس روضه، روضه ای که می خوانید مقدس است. اگر کسی به روضه توهین کند، اگر کسی روضه های سید الشهداء علیه السلام را تحقیر کند البته خیلی از اوقات ممکن است از روی جهالت باشد. گاهی اوقات بعضی از دوستان اهل بیت که شکی نیست که رفیق اهل بیت اند، گریه کن امام حسین اند، گاهی مواقع چیزهایی نسبت به روضه می گویند. با دستگاه امام حسین نباید شوخی کرد. نخواهید از سر و ته آن بزنید. گاهی مواقع برخی می گویند: این اطعام هایی که در مجالس سیدالشهداء می دهند پولش را برای ازدواج جوان ها بدهند، پولش را برای فقرا بدهند. این چه حرفی است؟ اتفاقاً این کسانی که برای سید الشهداء اطعام می کنند، آن کسانی هستند که به یتیم ها و فقراء کمک می کنند. ما گاهی وقت ها، آنجایی که برای بچه هایمان در تالارها عروسی های آنچنانی می گیریم، یا جشن تولدهای آنچنانی می گیریم یا از یک مکه یا زیارتی برمی گردیم، آن جا را خیلی گیر نمی دهیم ولی به دستگاه سید الشهداء که رسید، آقا پولش را به فقرا بدهید. آن مؤمن متدینی که برای امام حسین پول می دهد، آیا امکان دارد که برای یتیم و فقیر پول ندهد؟ در هر حال روضه ها مقدس اند. مرحوم آیت الله میلانی از مراجع مشهد و استاد مقام معظم رهبری بود. در خانه اش روضه داشت که یک شخصی آمد و کنارش نشست. ایشان آهسته سر در گوشش گذاشت و گفت: فلانی در مجلس روضه سید الشهداء آدم پاک می آید. می رفتی غسلت را می کردی و بعد می آمدی. این بنده خدا گفت: حاج آقا عذر می خواهم. آقای میلانی به او گفت: این مجلس، مجلس مقدسی است و روضه در آن خوانده می شود. در روایت دارد که فوج فوج ملائکه پایین می آیند و بالا می روند. «فَوْجٌ يَنْزِلُ وَ فَوْجٌ يَصْعَدُ» شیفت به شیفت عوض می شوند. بعضی از ملائکه که بعد از مجلس می رسند خودشان را به در و دیوار مجلس روضه می مالند برای این که متبرک شوند. برای همین است که انسان تا می تواند با وضو وارد شود. رعایت حرمت روضه ی اباعبدالله را داشته باشد.

### انسان های مقدس :

آخرین و پنجمین قسم از مقدسات، انسان های مقدس اند. بعضی از انسان ها که ولیّ خدا هستند و ارتباط خاص با خدا دارند، این ها هم مطهر اند و حرمت دارند. اول از همه انبیاء و در رأس همه انبیاء وجود مقدس خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه و اولاد معصومش هستند. خدا در قرآن وقتی به انبیاء دیگر خطاب می کند با اسم کوچک صدایشان می زند، یا ابراهیم، یا نوح، یا موسی اما آنجایی که خداوند می

خواهد پیغمبر را صدا بزند، با لقب و احترام «یا ایها الرسول» «یا ایها النبی». آن وقت خداوند به دیگران هم نسبت به ولیّ اش یاد می دهد و می گوید: ای مردم «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ» در محضر پیغمبر، چه زنده باشد و چه بعد از رحلتش، قیل و قال نکنید، صداهایتان را بلند نکنید که اکنون این آیه دور ضریح پیغمبر نوشته شده است «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا...» این جا ادب دارد، صدایتان را بلند نکنید، پیغمبر هست. در جایی دیگر خداوند متعال می فرماید: «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَیْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» وقتی که می خواهید پیغمبر را صدا بزنید، آنگونه صدا نزنید که خودتان را صدا می زنید. خودتان را با اسم کوچک صدا می زنید، پیغمبر را این گونه صدا نزنید. پشت خانه پیغمبر می آمدند و با اسم کوچک پیغمبر را صدا می زدند که بیرون بیا، کارت داریم. خداوند یادشان داد و فرمود: این گونه که همدیگر را صدا می زنید، پیغمبر را صدا نزنید. درست است که او انسان است اما انسان برتر است، ولیّ خدا است.

### گریز و روضه :

ابی عبدالله تا آخرین لحظه ایستاد و اتمام حجت کرد و فرمود: مردم آیا من خونی از شما به ناحق ریخته‌ام؟ گفتند: نه. فرمود: آیا حلال خدا را حرام کردم؟ حرام خدا را حلال کردم؟ گفتند: نه. فرمود: چرا خون مرا حلال می‌دانید؟ گفتند: جرم تو این است که پسر امیرالمؤمنین هستی. عمر سعد دستور داد که این پسر علی است. از او پروا کنید. مبادا به میدانش بروید. فقط ناجوانمردانه به او حمله کنید.

در این صحنه بود که حضرت تیر باران و سنگ باران شدند. سنگ به پیشانی مقدسش خورد. وقتی دامن پیراهن را بلا آورد، خون را پاک کند، سینه مطهرش آشکار شد و این سینه نورانی را که پیامبر خدا می‌بوسید، هدف تیر سه شعبه آهنین قرار گرفت. تیر به حدی نفوذ کرد که حضرت خم شدند و تیر را از پشت سر بیرون آوردند. خون جاری شد.<sup>۱</sup> بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۵۳؛ عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۷، ص ۲۹۵؛ تسلیة المجالس، ج ۲، ص ۳۲۰. دیگر حضرت توان نشستن روی اسب را نداشت، در حالی که ذوالجناح حضرت را به سمت گودی قتلگاه حرکت می‌داد و می‌خواست آرام حضرت را روی زمین قرار بدهد که دشمن مهلت نداد و کاری کرد که حضرت از روی است افتاد.

نه سیدالشهدا بر جدال طاقت داشت	نه ذوالجناح دگر تاب استقامت داشت
عزیز فاطمه از اسب سرنگون گردید	هوا ز باد مخالف چو نیلگون گردید
اگر غلط نکنم عرش بر زمین افتاد.	بلند مرتبه شاهی ز صدر زین افتاد